

## || زنگہای خطر ! ||

✿ نسل سرگردان

✿ عقدہ‌ها چگونه منہجر میگردد

\* \* \*

در عصری زندگی می‌کنیم که بدون تردید باید آنرا دوره **اختراع** نامید، امروزه ابتکارات بشری آنچنان سریع و پر دامنه انجام می‌گیرد که همه مردم جهان در حالت انتظار بسر برده، صبح و شام خود را برای شنیدن یک پدیده علمی تازه تری آماده می‌سازند، بموازات این پیشرفت‌های علمی و صنعتی مشکل تازه فراراه زندگی انسان‌های عصر **تسخیر فضا** پیدا شده است، و این مشکل نو آنچنان خطرناک و رسواکننده است که تا زود بود زندگی را می‌خواهد بر باد دهد.

مشکلی که اساس اجتماع و خانواده‌ها را تهدید می‌کند، سن و آداب اصیل را منهدم مینماید، این مشکل تازه و وحشتناک **عصیان نسل جوان** است، تاکنون دانشمندان علم الاجتماع نتوانسته‌اند راه حلی برای این مشکل پیدا کنند و دامنه آن روز بروز چون بیماری خطرناکی در حال توسعه، است کار جنون و دیوانگی نسل جوان آنچنان بر سوائی کشیده که برخی از دانشمندان جوانان را بنام **نسل سرگردان** نامیده‌اند.

بایک مطالعه می‌توان چنین برآورد کرد که پیشرفت‌های علمی و صنعتی و این انحطاط اخلاقی، همانند آنست که کوهنوردی در همان هنگامی که نزدیک است خود را بقله افتخار برساند، در اثر نادانی و جهالت خود را بر لب پر تگاهی قرار داده، بدست خویش خود را بسقوط و هلاکت میکشاند و بدون اینکه با خطار و راهنمایی دیگران توجه داشته باشد، هر آن خود را بسقوط نزدیکتر می‌سازد. بدون تردید هر قدر دامنه اختراعات انسان توسعه یابد بهره‌برداری انسان‌ها از نیروهای سرشار فکری و عقلی کاملتر انجام شده است.

بنابراین بزرگترین ابتکار، وجود خود انسان است، لذا اگر در اثر ضایعه نسل انسان

دچار هلاکت گردد و فقط تعداد انگشت شماری از انسان باقی بماند میتوان امیدوار بود که دوباره انسان بمشابه این اختراعات بلکه درخشان تر از آنها موفق گردد ، ولی اگر روزی نسل بشر از روی زمین منهدم گردد در چنین روزی **دفتر ابتکارات** برای همیشه بسته میگردد.

باید اعتراف کرد که انسان در عصر پیشرفت علمی و صنعتی در برابر يك مشکل اساسی بنانود در آمده است و آن **سرگردانی نسل جوان است** ، و اگر وضع بهمین منوال جلو رود ، و درمانی برای آن اندیشه نشود ، زندگی انسان باتمام زرق و برق هائی که برای خود بوجود آورده است ، دچار زوال و تباهی خواهد گشت ، متأسفانه این وضع ننگین عصری بعنوان سوغات کشورهای غربی در میان جوانان کشور ما هم رواج پیدا کرده است و کم و بیش آنان را آلوده نموده است ، و اگر زعمای اجتماع ما ب فکر چاره جوئی نیفتند ، جنبه های منفی آن بطور غیر قابل تصویری اصول زندگی ما را مختل خواهد ساخت .

بنا بر این جای اینست بهمه مر بیان اجتماع ، علاقمندان کشور اعلام خطر کرده ، از عواقب وخیم این نابسامانی ها آنان را هشیار باش دهیم ، فساد و تباهی از روزهای اولیه زندگی سایه وار اجتماع انسان را تعقیب میکرد ، ولی آنچه امروز قابل دقت و تأمل است ، عمومیت و توسعه فساد است ، و بعبارت دیگر یک وقت در اجتماعی فردو یا افرادی کاربرد را انجام میدهند ، ولی گاه دیده میشود که نوع افراد اجتماعی بکار زشتی آلودگی پیدا میکنند ، اینجاست که باید چنین جامعه ای را در آستانه سقوط و زوال دانست ، منظور از فساد نسل جوان همین نوع دوم است ، امروزه بر اساس **اقتباس های ناروا** و تقلیدهای کور کورانه اجتماع ما در همان وضع خطرناکی قرار میگيرد که اجتماع غرب بدان آلوده شده است .

ما برای اینکه اذهان خوانندگان را کاملاً متوجه عواقب وخیم این بی بندوباری نموده باشیم بذکر چند حادثه که در مدت کوتاهی در کشور ما روی داده است مبادرت می کنیم ، ضمناً باید توجه داشت که بطور یقین از هر ده پرونده شاید يك پرونده است که ظاهر و آشکار میگردد ، والا نه تاي آن در پس پرده استتار مانده ، و یا بعنوان گونا گونی تغییر قیافه داده ، با وضع دیگری خود نمائی خواهد کرد ، مثلاً وقتی در روز نامه میخوانیم که يك دختر بیست ساله ای از خانه پدرش فرار کرده و بخانه نیامده است یا جوان ۱۵ ساله ای بمنزل بازنگشته است ، ابتدا این حوادث را بسیار کوچک تلقی میکنیم ، و حال آنکه اگر ریشه گیری شود ، در آن هنگام پرده ها کنار رفته ننگ و رسوائیهای بس بزرگی آشکار میگردد .

روی این اصل مواردی را که بطور نمونه ذکر می کنیم باید بعنوان مشت نمونه خروار است تلقی کرد ، ضمناً زمینه ای برای تجزیه و تحلیل صاحب نظران بوجود میآید تا بتوانند مطالعات دقیقی

در این باره نموده انگیزه‌های پیدایش این نوع حوادث تلخ را بدست آورند.

بدون شك هر كشوري نيازمند تشكيلات **قضائي و امنيتي** است ، ولي در برابر آن بايد مؤسسات بس بزرگي هم وجود داشته باشد ، تا عوامل انحراف و جنایت و آنچه را که عامل پیدایش عقده‌ها و انفجار آنها است تشخیص داده ، از توسعه و گسترش آن جلوگیری بعمل آورد و الا با شناسائی مجرم و بدآر و بیختن و یا زندانی کردن آن نمیتوان عوامل سعادت را در اجتماع رشد داد ، و راه اساسی در اینست که از تراکم **عقده‌ها** جلوگیری شود ، آیا تا کنون برای مشکل اجتماعی بزرگ ( فرار از خانه ) راه حلی در نظر گرفته شده است ؟ آیا تا کنون معلوم شده که انگیزه فرار از خانه چیست ؟ آیا بد اخلاقی و سخت گیری‌های پدران و مادران این فرار را باعث میشود ؟ آیا آلودگی و رسوائی‌هاست که نمی‌گذارد آنها بخانه بازگشت کنند ؟ در هر صورت شناخت عوامل تباهی و فساد خود مرحله‌ای از تحول و تکامل اخلاقی است ، چنانچه شناسائی بیماری‌های جسمی نیز رسیدن به راه سلامت و تندرستی را تسریع مینماید .

چندی پیش دانش آموزی دختر دانش آموزی را هدف گلوله قرار میدهد ، سپس با همان تفنگ خود را هدف گلوله میسازد اما او را از مرگ نجات میدهند در حالی که گلوله در دوسانتیمتری قلبش قرار گرفته و قسمتی از ریه‌اش توسط فشنک‌ها پاره شده بوده است ، **جوان دیگری دختری** را از پنجره آپارتمان به داخل حیاط انداخته او را می‌کشد ، جوانی در زمینهای **امیر آباد دختری** را با کارد شکاری بقتل میرساند **جوانی** در قزوین دختری را هدف گلوله قرار میدهد ، در قهنگ شمیران جوانی با اسلحه دوشیزه را مجروح میسازد

بروز این حوادث تلخ است که زنك خطر را بصدا درمی‌آورد و مر بیان اجتماع را تحریک می‌کند که مانند قوانین ثابت فیزیک و شیمی انگیزه‌های این جنایات‌ها را بدست آورند عجالتاً ما خود از اظهار نظر درباره عوامل خودداری می‌کنیم ، ولی خوانندگان عزیز را با اظهار نظری که یکی از همین قربانیان اجتماع که از پشت سلول زندان نموده است ، متوجه میسازیم .

این شخص از پشت میله‌های زندان در حالیکه خود را برای بوسیدن چوبه‌دار آماده میسازد چنین می‌نویسد :

من میگویم : **دآینده جوانان ما در خطر است** ، ای پدران و مادران و ای اولیاء مدارس بیایید برای نسل جوان بایکدیگر همکاری کنید ، دختر خانم‌هایی که **مد بالای زانو** می‌پوشند ، و در معا بر عمومی بر ایمی افتند خوب دقت کنید ، اینها جز **تحریک و تشویق جوانان با اعمال خلاف اخلاق عمل دیگری انجام** نمیدهند آنها احساسات تند و آتشین جوانی را در یک

منبع بی‌منفذ تحریک میکنند، مشتمل میسازند آتش میزنند و برآه خود میروند.

من میگویم آنها مقصرند، عامل اصلی جنایت آنها هستند. دختری را که من کشتم اول طرح دوستی را با من ریخت و بعد او خیانت کرد  
آنچه که در نوع این حوادث قطعی بنظر میرسد احساس کمبود شخصیتی است که عاید طبقه جوان میگردد، فرق نمی‌کند دختر و پسر وقتی تحریک میشود عواطف انسانی را لکد کوب شده مییابد، در چنین مواردی انفجار عقده عامل پیدایش حوادث تلخی میگردد، اینجاست که یکی از خانه‌ها فرار میکند، و دیگری طرح قتل و جنایتی را می‌ریزد، البته بدیهی است که منظور ما نه اینست که این نوع حرکات زننده را تصدیق و تأیید کنیم، بلکه می‌خواهیم مدلل سازیم که معاشرت‌های بی‌بند و بار و جلفی و سبکی در رفتار و کردار بسهم خود یکی از عوامل تشکیل دهنده قتل و جنایت مییابد.  
دوران جوانی و بلوغ یکی از حساس‌ترین فصول زندگی است، در این مرحله تحولات دامنه‌داری از نظر روحی و جسمی در جوان بوجود می‌آید و اساسی‌ترین موضوعی که جوان بدان توجه خاصی دارد **شخصیت جوان** است، در این دوره جوان بیش از هر چیزی به شخصیت خود اهمیت میدهد، بنابراین بازیچه گرفتن شخصیت جوان خواه دختر و خواه پسر در حقیقت با برهم زدن تار و پود زندگی جوان برابری می‌کند، و بطور ناآگاه در معاشرت‌های بی‌بند و بار کذونی علاوه بر موضوعات دیگری یکی از زیان‌های مسلم آن لطمه دیدن شخصیت دختر و پسر جوان است.

از این گذشته بسیاری از پسران آلوده و گمراه عامل انحراف خود را در سبکی و جلفی دختران میدانند، می‌گویند: **افراط در آرایش و پوشیدن لباس‌های بدن‌نما خود عامل بسیار قوی برای انحراف و گمراهی جوانان مییابد، و تا حدودی در این گفته راه حقیقت پیموده‌اند چه دوران بلوغ یکی از مراحل خطرناک عمر است، در این دوره جوان از هر چیزی که او را تحریک کند، باید اجتناب ورزد و وضع اجتماعی‌ما طوری است که دختر و پسر را تحریک نموده و آنان را بسقوط و بدبختی راهنمایی می‌کند.**

### از آداب سخن گفتن

علی (ع) میفرماید: **اجماوا فی الخطاب تسمعا**

**جمیل الجواب**

با مخاطب خود مؤدب و پسندیده سخن بگوئید و بشخصیت وی احترام بگذارید تا او نیز بشما با احترام جواب گوید

«غرر الحکم» ص ۱۳۹